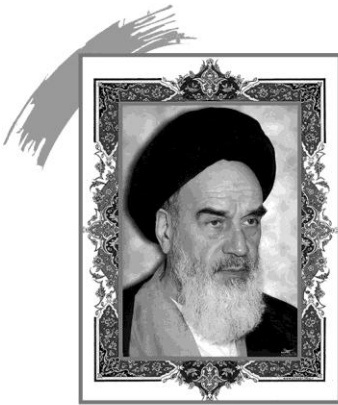




استقلال سیاسی

در اندیشه امام خمینی قدس سره

کاظم محدثی

به جای منافع ملت
خود، م نافع کشور
سلطه گر و نشان از
ذلت و زبونی ملت تحت
سلطه خواهد بود.
امام خمینی ! با
توجه به روحیه
عزتمندانه ای که از
معارف دینی سرچشمه
می گیرد، نسبت به
استقلال، خصوصاً
استقلال سیاسی حساس
بود. اعتراض امام به
لایحه کاپیتولاسیون در
سال ۱۳۴۳ش که به
تبعید ایشان ب
ترکیه انجامید، یکی
از مهم ترین قله های
مبارزه با رژیم
پهلوی محسوب می شود.
بیان آتشین امام ! در
سخنرانیها، اهتمام
شدید ایشان به حفظ
استقلال سیاسی کشور

امروزه یکی از
مشکلات اساسی کشورهای
استعمارزده، مسئله
عدم استقلال است.
بسیاری از این
کشورها در اثر
سلطه های اقتصادی،
سیاسی، نظامی و
فرهنگی کشور
استعمارگر، همچون
استان یا شهری از
کشور سلطه گر شده یا
می شوند. از این
لحاظ، مفهوم استقلال
و پاسداری از اقتدار
سیاسی، یکی از
مفاهیم اساسی در
کشورهای جهان سوم
است.

عدم استقلال یک
کشور در تصمیم گیریها
و برنامه ریزیهای آن،
آثار سوئی خواهد
داشت؛ زیرا محور خط

اسلامی را نشان می‌دهد.
در دوران اوج نهضت اسلامی، شعار توده مردم - که به عنوان شعار ملی انقلابیون شناخته می‌شد - شعار معروف : «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» بود.^۱
حضرت امام! پس از پیروزی انقلاب نیز برای کسب هر چه تمام تر استقلال، استفاده از مستشاران خارجی در سطح بالا و امور نظامی خارجی را به طور کلی ممنوع کرد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز برای تحکیم هر چه بیش تر پایه های استقلال، تصمیم گیریهای دولت در روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی خارجی که احتمالاً وابستگی را به همراه دارد، مطلقاً ممنوع یا فقط با موافقت

۱. لازم به ذکر است که این شعار دو دوره داشته است : در دوره اول شعار مردم : «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» بود و در دوره دوم پس از اعلام شکلگیری حکومت توسط امام!، به «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» تغییر یافت.

مجلس شورای مجاز شمرده شده است.^۲
در این نوشتار جنبه سیاسی استقلال از دیدگاه امام خمینی! مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ و جنبه اقتصادی و فرهنگی آن که به جنبه سیاسی بی‌ارتباط نیستند را در آینده (در شعارهای بعدی ماهنامه) مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.
مفهوم استقلال
واژه استقلال مفهومی روشن دارد؛ هر چند این مفهوم را به سادگی نمی‌توان تعریف کرد. نکته اساسی نهفته در این واژه، «عدم وابستگی و سلطه پذیری» است. این نکته در کتابهای لغت مورد توجه قرار گرفته است و فرهنگنویسان سیاسی برای ارائه تعریف خاصی از استقلال سیاسی، تلاش بسیار کرده‌اند؛ اما مؤلفه جدیدی بر مفهوم لغوی آن نیفزوده‌اند. برای

۲. ر.ک: اصل ۷۷، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۱۴۶ و ۱۵۳ از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

شرایط استقلال سیاسی
دو شرط مهم برای تحقق استقلال سیاسی وجود دارد:
۱. استقلال خواهی در مسیر اقتدار سیاسی:
گاهی استقلال خواهی درباره اقتدار سیاسی یک کشور و تصمیماتی است که در سطح کلان باید گرفته شود. در این مرحله، کشور مستقل، کشوری است که جز به منافع ملی یا مصالح نظام و مکتب خویش نیاندیشد و محور تصمیم گیری، همان منافع و مصالح امت است. لازمه چنین کاری آن است که در تصمیم بیگانگان دخالت سرنوشت‌سازي نداشته باشد.
۲. استقلال خواهی به معنای درخواست طرد خودباختگی:
گاهی نیز استقلال خواهی به معنای درخواست طرد خودباختگی در سطح دستگاه رهبری است، بدین معنا که رهبران و کادر مؤثر در تصمیم گیریها از تحت نفوذ بیگانه خارج باشند و به جای افراد غرب و شرق زده یا ترسویی که در

مثال، تعریف استقلال سیاسی به م «قدرت یک دولت برای اداره امور داخلی و خارجی خود و بدون جلب نظر و موافقت یک دولت دیگر». ^۱ چیزی فراتر از تطبیق مفهوم لغوی استقلال بر یک کشور و اقتدار سیاسی آن نیست.
حضرت امام! نیز از استقلال، مفهوم خاصی ارائه نکردند و به همان مفهوم روشن و رایج با تعبیرات گوناگون اشاره داشتند. تعبیراتی همچون: «عدم وابستگی» ^۲، «تبعیت» ^۳، «نفی دخالت» ^۴، «عدم قبول تحمیل و سلطه بیگانه» ^۵، «نفی اتکا به بیگانگان» ^۶ و....

۱. فرهنگ علوم سیاسی، علی آقا بخشی و صیف افشاری راد، نشر چاپار، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ص ۳۱۰.
۲. صحیفه امام، سیر روح الله موسوی خمینی (امام خمینی)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۷۳.
۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ۶۹.
۴. همان، ج ۱۹، ص ۲۴۲.
۵. همان، ج ۱، ص ۲۵۲.
۶. همان، ج ۲، ص ۷۱.

مقابل بيگانگان
 استقلال فكري خويش را
 از دست مي دهند،
 افرادي مستقل و
 بااراده، رهبري
 جامعه و نظام را در
 دست داشته باشند و
 جامعه را به سوي
 آرمانهاي خويش به
 پيش برند.

امام خميني! در
 سخنان خويش به اين
 دو شرط عنايت داشته،
 مي فرمايند: «ما
 مي گوييم غلام حلقه به
 گوش ديگران
 نباشيد... استقلال را
 حفظ كنيد، تبعيت را
 دست برداريد!»^۱

در اينجا منظور
 ايشان از استقلال،
 عدم تبعيت و
 دنباله روي دستگاه
 رهبري جامعه از
 اهداف و برنامه هاي
 تعيين شده توسط
 بيگانگان است. ايشان
 در جواب خبرنگاري كه
 از مشخصات جامعه
 ايران پس از پيروزي
 انقلاب سؤال مي كند،
 يكي از مشخصات ايران
 پس از پيروزي انقلاب
 را چنين برمي شمرد:
 «رهبري سياسي از

سلطه بيگانه آزاد
 مي شود.»^۲

حضرت امام! نظير
 همين معنا را درباره
 ملتهاي مسلمان و
 مستضعفي كه تحت سلطه
 سياست زورمداران
 جهاني قرار گرفته اند
 و دستگاه رهبري
 سياسي آنان تحت
 سيطره و حاكميت
 مستكبران است، با
 تعابير مختلف مي
 فرمايند:

«ملت ايران
 اميد دارد دست اجانب
 را از جميع ممالك
 اسلامي کوتاه كند و
 استقلال را به آنها
 برگرداند.»^۳ و در
 جاي ديگر تمام
 مسلمانان و مستضعفان
 را مخاطب قرار
 مي دهند و آنها را به
 رهايي از سلطه
 جهان خواران و به دست
 گرفتن سرنوشت خويش
 فرا مي خوانند و
 مي فرمايند:

«هان اي مسلمانان
 جهان و مستضعفان
 گيتي! بپا خيزيد و
 مقدرات خود را به
 دست گيريد!»^۴

۲. همان، ج ۳، ص ۵۳.
 ۳. همان، ج ۱۰، ص ۹۱.
 ۴. همان، ج ۱۵، ص ۷۲.

۱. صحيفه امام، ج ۱، ص ۶۸ - ۶۹.

بنابر این، استقلال
در این مرحله به
معنای رهایی و آزادی
از حیطة حاکمیت و
سلطة سیاسی تحمیل شده
از سوی مستکبران بر
ملت‌های مظلوم است .
ملت ایران در انقلاب
خویش به سال ۱۳۵۷
چنین استقلالی را به
دست آورد؛ لیکن روشن
است که این مرحله ای
از استقلال سیاسی
است.

از دیدگاه امام
خمینی! مرحله دیگر به
دست گرفتن سرنوشت
سیاسی و اداره جامعه
و رهبری آن به سوی
آرمان‌های پذیرفته شده
بدون دخالت و سلطه
بیگانگان است.

در این مرحله،
مردم نوع نظام سیاسی
و خطوط اصلی مسیر
حرکت اجتماعی خویش
را تعیین می کنند و
زمامداران و
کارگزاران خویش را
برمی‌گزینند تا به
اداره و رهبری جامعه
بر اساس برنامه های
پذیرفته شده
پردازند. استقلال در
این مرحله بسیار
عمیق تر و دشوارتر
است . از این رو،

امام ! با تأکید
بیش‌تری به این
استقلال سفارش
می‌کنند.
ایشان می‌فرمایند :
«باید ایرانی بسازیم
که بدون اتکا به
آمریکا و شوروی و
انگلستان؛ این
جهان خواران بین
المللی، استقلال
سیاسی، نظامی،
فرهنگی و اقتصادی
خویش را به دست گیرد
و روی پای خود
بایستد.»^۱
آنچه بیان شد،
مربوط به رهایی
حاکمیت سیاسی از
سلطه بیگانگان و به
دست گرفتن مقدرات
کشور و رهبری جامعه
جهت نیل به اهداف
خویش بود؛ اما
استقلال در حوزه
وسیع تری نیز قابل
طرح است و آن، تلاش
در جهت رهایی از
سلطه و حاکمیت
نامرئی سلطه گران
جهانی است، که این
تلاش در دو قلمرو
مطرح است:
الف) تلاش در جهت
بالا بردن توان
ایستادگی و آمادگی

۱. همان، ج ۸، ص ۹۱.

کامل براي مقابله با فشارها در تمام شرايط؛

ب) تلاش در جهت کم کردن و از بین بردن سلطه ظالمانه مستکبران و گسترش حاکمیت اسلام.

آنچه که از سوي

رهبر معظم انقلاب > تحت عنوان اقتصاد مقاومتي مطرح شده، گوشه اي از اين تلاش، ايستادگي و مقاومت است که بسيار

هوشمندانه و مدبرانه از سوي ايشان مطرح شده است.

نظريه هاي مختلف درباره استقلال

با توجه به شرايطي که بر مناسبات بين المللي در جهان کنوني حاکم است، نظريه هاي مختلفي در باب استقلال سياسي مطرح مي شود؛ از يك سو منابع گوناگون مورد نیاز بشر در يك کشور جمع نمي شود و يا علي رغم وجود منابع، تخصّصهاي لازم براي بهره برداري مناسب از منابع وجود ندارد و از سوي ديگر، ارتباطات دنياي کنوني، جهان

را به صورت دهکده اي کوچک درآورده است، که اين شرايط موجب مي شود تا تعاريف مختلفی در مسئله استقلال سياسي بيان شود. مهم ترين اين نظريات را مي توان به صورت زير ارائه کرد:

۱. لزوم انزوای مطلق؛ بر طبق اين نظريه، استقلال به جز جدائي مطلق از ديگران، معنائي ندارد. کشور مستقل کشوري است که هيچ نوع رابطه اي با ديگران نداشته باشد، خود بکارد، خود درو کند و خود مصرف نمايد، و نه تنها در نيازمنديهاي اساسي، بلکه در هر نيازي خود توليد کند و خود مصرف کند.^۱

۲. عدم امکان تحقق استقلال؛ طبق اي ن نظريه، اصولاً انديشيدن درباره استقلال واهي است؛ چرا که نيازهاي کنوني جوامع راهي براي استقلال باقي نخواهد گذارد.^۲ اين

۱. فرهنگ استقلال، جواد منصوري، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۰، ص ۲۵ (با کمی ويرايش).
 ۲. همان.

مختلف جلوگیری شود و به جای اینکه معادلات سیاسی جهان بر سرنوشت و سیاست یک کشور تأثیر گذارد، کشور از لحاظ سیاسی آنچنان قوی باشد که موضعگیریهایش بتواند بر سرنوشت سیاسی جهان مؤثر باشد و یا حداقل تأثیر پذیری آن از دنیای پیچیده کنونی حداقلی باشد. هم اکنون کشورهای اروپایی از جهت اقتصادی، گرچه به نفت و راههای آبی و بازارهای خاورمیانه محتاج اند و تصمیم گیریهای کشورهای این منطقه میتواند آثار مهمی بر اقتصاد آنها داشته باشد؛ اما چون کشورهای این منطقه نیز از جهات مختلفی نیازمند آنها هستند، هیچیک از این کشورها را نمیتوان مستقل به شمار آورد. به طور خلاصه، این نظریه می گوید: در جهان امروز کشور مستقل، کشوری است که با اقتدار خویش بتواند از نفوذ دیگران در حد بالایی جلوگیری کند، گرچه

نظریه که باید آن را نظریه تفریطی در این مقوله نامید، به مفهوم حقیقی استقلال توجه کافی نکرده است، و بیش از آنکه در باب استقلال، نظریه مستق لی باشد، نفی و رد اندیشه استقلال است. ۳. نسبیت استقلال؛

این نظریه به واقع گرایی نزدیک تر است و استقلال در آن اصولاً مفهومی نسبی است؛ حتی آمریکا نیز — که یکی از دو ابرقدرت جهانی بوده است و به تازگی با اضمحلال نسبی قدرت شرق لاف رهبری بلامنازع جهان را میزند — نمیتواند ادعای استقلال کامل کند، و حوادث سیاسی خارج از آن کشور در تعیین خط مشی و سیاستهای داخلی، احزاب پیروز در انتخابات و ... به راحتی اثر میگذارد.

پس آنچه از استقلال مورد نظر است، آن است که تا حد امکان و در سطحی بسیار بالا از سلطه و اقتدار دیگران بر کشور در عرصه های

نفوذهای ناخواسته در جهان امری اجتناب ناپذیر است.

نظر امام خمینی درباره استقلال

برای روشن شدن نظر امام! درباره استقلال، لازم است که پاسخ ایشان را درباره سؤال زیر مورد بررسی قرار دهیم:

آیا ایشان هرگونه استفاده از نیروها، امکانات، تجارت، پیشرفتهای علمی، تحقیقاتی، صنعتی و... دیگر کشورها را منع می کنند و معتقدند که باید از صفر شروع کنیم؟

چون که «میخواهیم با کفایت خودمان خودکفا باشیم»^۱ و «باید بگوییم دیگران هیچ»^۲ و «باید عزممان را جزم کنیم که دستان را پیش هیچ کس دراز نکنیم»^۳.

از بررسیهای گذشته در طرح نظریات مختلف راجع به استقلال تا حدودی پاسخ این سؤال

روشن شده، که استقلال به معنای بستن درهای کشور به روی دیگران برای روابط و مبادلات نیست؛ بلکه به معنای ارتباط و مبادله با حفظ ضوابط و معیارهاست، و این تفکر هم در سالهای قبل از پیروزی انقلاب و هم در سالهای بعد از آن در سخنان مختلف امام! به چشم می خورد.

ایشان در سال ۵۷ در جواب خبرنگاری که از وضعیت قراردادهایی که رژیم منحوس پهلوی با دول خارجی بسته است، پس از استقرار جمهوری اسلامی سؤال می کند، می فرمایند: «حکومت آینده آنها را مجدداً مورد بررسی قرار می دهد و از آنها آنچه با منافع و مصالح ملت ما موافق نباشد، لغو می کند؛ ولی در نوس همه امکاناتی که دولتهای خارجی مایل باشند در اختیار ما بگذارند، با حفظ آزادی و استقلال کشور براساس احترام متقابل از آن امکانات استفاده

۱. صحنه امام، ج ۱۷، ص ۱۲۴.
۲. همان، ج ۱۸، ص ۱۱۷ (با تلخیص).
۳. همان، ج ۱۸، ص ۱۱۷ (با تلخیص).

ایشان، منع استفاده از نیروها و امکانات خارجی استفاده نمی‌شود.

در مجموع می‌توان گفت: امام! بر اصل «خوداتکایی» بسیار تأکید داشته اند. خوداتکایی در دیدگاه ایشان به معنای تکیه اصلی در بازسازی و خودکفایی بر استفاده از نیروها، امکانات و متخصصان داخلی است و این با استفاده از تجارب و اندوخته های علمی و عملی و امکانات و صنایع و متخصصان بیگانه با حفظ اصول و شرایط، ناسازگار نیست.

مرزهای تعیین کننده مصالح ملی را چنین می‌توان توضیح داد که: موجبات سلطه را فراهم نیاورد و موجب از بین رفتن اعتماد به نفس و خوداتکایی متخصصان داخلی نشود.

در پایان می‌توان اصولی استنباطی از بیانات امام! در باب استقلال سیاسی را به قرار زیر بیان کرد:

۱. مجاز بودن استفاده از امکانات و متخصصان خارجی؛

۲. رعایت اصل

می‌کنیم و قراردادهایی منعقد می‌نماییم.»

مقام معظم رهبری > نیز تفاوت میان وابستگی و تعامل را این‌گونه تبیین کرده است: «داد و ستد ضعف نیست، یک چیزی را خریدن و یک چیزی را فروختن ... این ضعف نیست؛ اما باید طوری باشد که یک ملت اولاً نیازهای اصلی خودش را بتواند خودش فراهم کند، ثانیاً در معادلات اقتصادی دنیا و مبادلات جهانی یک وزنه ای باشد که نتوانند او را به آسانی کنار بگذارند، به آسانی او را محاصره کنند و هر چه می‌خواهند به او دیکته کنند.»

حضرت امام! به لزوم استفاده از امکانات خارجی در نوسازی و خودکفایی کشور اسلامی بر طبق دو اصل «وجود مصالح ملت» و «نفی سلطه» تصریح می‌کنند و اساساً از تفکرات

۱. همان، ج ۴، ص ۱۷۷ (با تلخیص).
۲. روزنامه کیهان، ۷۲/۱۲، ص ۶.

خود اتيکايي و
خود کفائي در
استفاده؛

۳. رعايت مصالح
ملي و اسلامي و
جلوگيري از تحقق
موجبات سلطه؛
۴. توجه به اعتماد
به نف س و تکریم
شخصيت متخصصان
داخلي.

